

ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ی قفقاز در سیاست خارجی ایران (نمونه‌ی موردی: خزر و فراخزر)

افشین متقی^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۵/۲۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۲۷

چکیده

منطقه‌ی قفقاز با وجود برخورداری از توانش‌های فراوان فضایی-سیاسی، یکی از خلاءهای ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی ایران به‌شمار می‌رود. منطقه‌ی خزر تا پیش از فروپاشی شوروی از اهمیت چندانی برخوردار نبود، اما در یک دهه‌ی گذشته، کشف منابع جدید انرژی و اهمیت یافتن دسترسی ژئوپلیتیکی آن که در مسیر اروپا-آسیا و به‌ویژه خاورمیانه قرار دارد، توجه فزاینده‌ی کشورهای غرب و روسیه را به این منطقه برانگیخت. منطقه‌ی فراخزر که در زمان اتحاد جماهیر شوروی به بخش‌های شرقی دریای خزر اطلاق می‌شد و پس از فروپاشی شوروی به قلمروهای غربی خزر نیز تعمیم داده می‌شود، نگاه بازیگران قدرتمند را به خود جلب کرده است. نقش خزر و فراخزر در قدرت و هژمونی کشورها، ایجاب می‌کند که ایران نیز برای گسترش دامنه‌ی نفوذ خود در این فضا برنامه‌ریزی کند. ایران از میان همه‌ی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و به‌ویژه در مقایسه با روسیه، دارای مزیت‌ها و توانمندی‌های هژمونیک مساعدتری است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به طرح این فرضیه می‌پردازد که ایران می‌تواند با تکیه بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیک خود، به کسب ژرفای ژئواستراتژیک در خزر و فراخزر نائل آید و «بار هژمونیک» به سیاست خارجی خود بخشد. نتایج نشان می‌دهد که ایران با تکیه بر ظرفیت‌های ژئوکالچر (فرهنگ، زبان، ایدئولوژی و قلمرو تاریخی) و ژئواکونومی (انرژی و اقتصاد) در سیاست خارجی خود، می‌تواند هژمونی خود را در این منطقه تعمیق بخشد.

واژگان کلیدی: ظرفیت ژئوپلیتیکی، هژمونی، خزر و فراخزر، ایران

۱- مقدمه

حوزه‌ی خزر از نظر ژئواستراتژیک، میدان رویدادهای مهم در محورهای آسیای مرکزی، قفقاز و هند به شمار می‌رود. به دلیل چنین اهمیتی، اتحادیه‌ی جماهیر شوروی در دوران جنگ سرد تسلط همه‌جانبه‌ی خود بر منطقه‌ی خزر را شدت بخشید و امکان هرگونه برتری طلبی از سوی دیگر کشورها را در این منطقه خنثی می‌کرد (Bernard, 2006: 14). روسیه، بعد از فروپاشی شوروی، به دلیل اولویت قائل شدن در رابطه با غرب در سیاست خارجی خود، برای مدت کوتاهی به دریای خزر و حوزه مربوط به آن توجهی نداشت (Bakshi, 2005: 17). پیش از آن‌ما، اشتیاق نه چندان شدید ایالات متحده‌ی آمریکا برای درگیری با شوروی و نیز به رسمیت شناختن ظاهری حوزه‌های نفوذ ابرقدرت‌ها از سوی یکدیگر در دوهی جنگ سرد نیز از جمله عواملی بود که سبب شد تا شوروی در این منطقه یکه‌تازی کند. پس از فروپاشی شوروی، زمینه برای حضور و نفوذ قدرت‌های گوناگون در منطقه‌ی خزر فراهم آمد و به جای یک کشور، چهار کشور - روسیه، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان - در این منطقه سربرآوردند (Kroutikhin, 2008: 25). یکی از پیامدهای تعدد کشورها در منطقه‌ی خزر، پدید آمدن خلاء قدرت در منطقه‌ی خزر بود؛ «خلاء قدرت در منطقه، ضعف رهبران این منطقه در اداره‌ی کشورشان و نیاز آنها به حمایت سایر دولت‌ها و در عین حال دارا بودن منابع غنی انرژی، از جمله عواملی بودند که بر اهمیت منطقه افزودند و رقابت‌ها برای تسلط بر این منطقه را بیشتر کردند» (Hashemi, 2002: 97). منطقه‌ی فراخزر نیز که در ادبیات سیاسی شوروی، خاص بخش‌های شرقی دریای خزر بوده است و به طور کلی به آسیای مرکزی اطلاق می‌شده است و امروز به تمامی قلمروهای پیرامونی خزر قابل تعمیم است. با توجه به سیاست‌های اورآسیاگرایی آمریکا، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار شده است (Chifu, 2013: 1). آمریکا پس از در دست گرفتن نبض نفتی در خلیج فارس و به پی‌رفت آن کنترل اقتصاد جهانی، اکنون سیاست سلطه بر منطقه‌ی خزر و فراخزر را نیز جدی‌تر دنبال می‌کند. روسیه که در دو دهه‌ی اخیر توجه خود به منطقه‌ی خزر و فراخزر را بیش از پیش افزایش داده است، در پی مستحکم کردن جای پای خود در رقابت با قدرت‌های بزرگ جهانی همچون آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا و چین در این منطقه است (Blagov, 2010: 39). ایران به عنوان یک کشور مهم در این منطقه، دارای توانش‌های ژئوپلیتیک^۱ ویژه‌ای است که در مقایسه با دیگر کشورهای یاد شده و به‌ویژه روسیه، می‌تواند زمینه‌های هموارتری را برای کسب هژمونی و نفوذ در منطقه‌ی خزر و فراخزر فراهم آورد. توانمندی‌های ژئوپلیتیک ایران جنبه‌های مهم و تعیین‌کننده‌ی فرهنگی، زبانی، استراتژیک، انرژی و تاریخی را در بر می‌گیرد (Rabiee & GharehBeygi, 2014: 5). هرچند که در حال حاضر، روسیه سلطه همه‌جانبه‌ای را در منطقه‌ی خزر و فراخزر اعمال می‌کند، اما ایران فارغ از حوزه‌ی بزرگ هژمونیک و استراتژیک خود در خلیج فارس، دارای توانش‌های ژئوپلیتیک ویژه‌ای است که با تکیه بر آن می‌تواند معادلات این دو منطقه را در آینده به سود خود دگرگون کند (Reinhold, 2013). بنابراین و با توجه به تحولاتی که در منطقه‌ی خزر و فراخزر روی داده و اهمیت فزاینده‌ای بدان بخشیده است، این پرسش مطرح می‌شود که ایران چه ابزارها و توانمندی‌هایی برای گسترش نفوذ و هژمونی خود در خزر و فراخزر در اختیار دارد؟ با بررسی و واکاوی

^۱ - Geopolitical Potentialities

توان‌ها و ویژگی‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ی خزر و فراخزر و ایران، این فرضیه شکل می‌گیرد که ایران برای کسب هژمونی در خزر و فراخزر، می‌تواند بر توانمندی‌های ژئوپلیتیک تعیین کننده در منطقه‌ی خزر و فراخزر تکیه زند.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر از جنبه‌ی روشی جزء تحقیقات کیفی است و از جنبه‌ی ماهیتی تحقیق کاربردی به‌شمار می‌رود. روش به‌کار رفته در این تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در گردآوری اطلاعات نیز از منابعی همچون کتاب، مجله، مقاله، روزنامه، اینترنت و... استفاده شده است.

۳- مفاهیم بنیادی و نظریه‌ها

۳-۱) توانش ژئوپلیتیک

یکی از مفاهیم مهم در مباحث ژئوپلیتیک مفهوم توانش ژئوپلیتیکی است؛ توانش ژئوپلیتیکی به ظرفیت، خصوصیت و پتانسیل‌های یک مکان یا فضای جغرافیایی گفته می‌شود که می‌تواند با اتکاء بر آن، جایگاه ژئوپلیتیکی خود را بهبود بخشد و از آن در راستای افزایش قدرت ملی و نفوذ در مکان‌های دیگر استفاده کند (Light and Vokovic, 2010: 8). در حالی که از دید تئوریک این مفهوم حالتی ایستا و پایدار را به ذهن می‌رساند، اما از دید عملی این مفهوم پویا است و از منطقه‌ای به منطقه دیگر و از کشوری به کشور دیگر تفاوت می‌کند. برای نمونه، توانش ژئوپلیتیک کشورهای مورد بحث این پژوهش در منطقه‌ی یاد شده به کلی با همدیگر متفاوت است و بر همین اساس هم رفتار این کشورها در قبال رخداد‌های منطقه با یکدیگر تفاوت دارد.

۳-۲) هژمونی

مفهوم دیگری که می‌بایست به آن پرداخت مفهوم هژمونی است. هژمونی از کلمه‌ی یونانی Hegeisthai گرفته شده است که در یونان باستان به یک رهبر یا یک سردار سپاه بزرگ، بویژه در جنگ اتلاق می‌شد. این واژه در علوم سیاسی و اجتماعی، اغلب به مفهوم مورد نظر آنتونیو گرامشی^۱ به کار می‌رود که دلالت بر چیرگی و استیلای یک طبقه نه فقط از جنبه اقتصادی بلکه از تمام جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک همراه با عنصر «رضایت» دارد (Aberckerachi, et al, 2014: 176). بنابراین در سیاست، اصطلاح هژمونی به معنای نوعی رهبری سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی در صحنه‌ی جهانی یا در یک محدوده‌ی جغرافیایی از قبل تعریف شده اطلاق می‌شود. روی هم رفته می‌توان گفت که یک واحد سیاسی برای اعمال هژمونی بر کشورهای پیرامون خود باید دارای پنج ویژگی اساسی زیر باشد (DuBois, 2005: 113):

۱- داشتن ظرفیت بالای ذخایر طبیعی

۲- داشتن ظرفیت بالای سرمایه و ذخایر ارزی

۳- داشتن یک بازار اقتصادی بزرگ

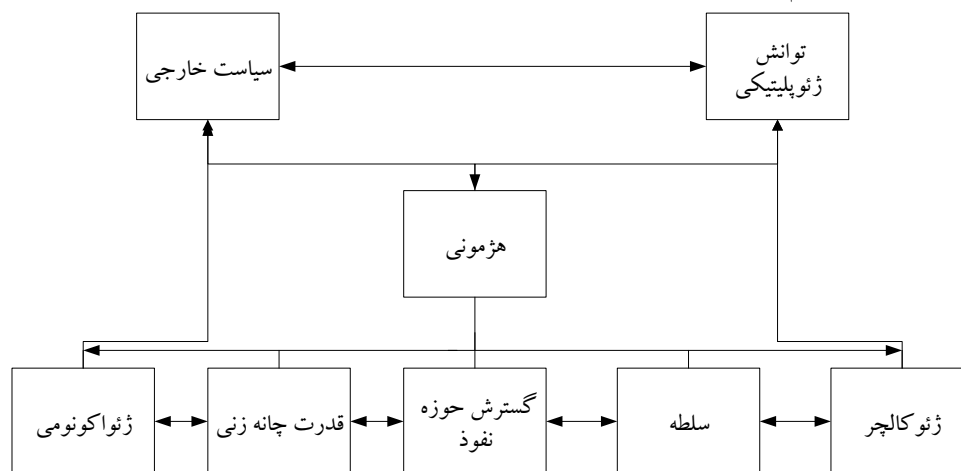
۴- داشتن دانش و فناوری و همچنین ظرفیت بالای تولید کار

^۱ - Antonio Gramsci

۵- داشتن قلمروی فرهنگی و مقبولیت همگانی برای ایفای نقش «رضایت» هژمون

۶- داشتن خواست^۱ و اراده‌ی سیاسی برای ایفای نقش هژمونیک

زمانی که این ویژگی‌ها با مختصات جغرافیایی- سیاسی آمیخته می‌شود، نقش یک کشور در کسب امتیاز افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، از تلفیق ویژگی‌های هژمونیک با تکیه بر توانمندی ژئوپلیتیکی، سبب می‌شود تا قدرت چانه‌زنی، تاثیرگذاری، امتیازگیری، نفوذ، ماندگاری، سلطه‌ی یک کشور افزایش یابد. آمریکا در چند دهه‌ی گذشته با تکیه بر همین ویژگی‌ها توانست «پیروزی هژمونیک»^۲ خود را بر جهان بقبولاند و به عنوان رهبر جهان، در مبادلات و معادلات جهانی عرض اندام کند (Naji and Jawan, 2011: 149).



شکل شماره ۱) رابطه‌ی توانش ژئوپلیتیکی و سیاست خارجی در کسب هژمونی

(اقتباس از Naji and Jawan, 2011)

بنابراین، می‌توان گفت که سیاست خارجی مبتنی بر توانش ژئوپلیتیکی، سبب می‌شود تا نوعی هژمونی برای یک کشور بدست آید. کسب این هژمونی، قدرت تاثیرگذاری و وزن سیاسی یک کشور را افزایش می‌دهد. در حوزه‌ی خزر و فراخزر، کشور ایران دارای ظرفیت‌های سیاسی- جغرافیایی منحصر به فردی است که حتی روسیه به عنوان کشور اول این منطقه، از این توانمندی‌ها بی‌بهره است (Leight and Vukovic, 2010: 11). پس ایران می‌تواند با مبنا قرار دان فرصت‌ها و روزنه‌هایی که ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی کشور در اختیار سیاست خارجی خود می‌دهد، برای کسب هژمونی و گسترش قلمروهای نفوذ خود اقدام کند. با توجه به اهمیت فزاینده‌ای که حوزه‌ی خزر و فراخزر در سیاست بین‌المللی دارد، حیات سیاسی کشورهایی که به دنبال کسب نقش فعال و پیشرو در جهان هستند، اقتضا می‌کند که به این منطقه توجه شایانی مبذول دارند (Pishgahifard, 2004: 179).

۳-۳) منطقه‌ی فراخزر

منطقه‌ی خزر به کشورهایی اطلاق می‌شود که در همسایگی دریای خزر قرار دارند. تعداد کشورهای منطقه‌ی خزر پس از فروپاشی شوروی به پنج کشور رسید که عبارتند از؛ ایران، روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان. منطقه‌ی فراخزر که در زمان حاکمیت شوروی به بخش‌های شرقی دریای خزر اطلاق می‌شد به مناطق شرقی خود، عنوان

^۱ - Political Will

^۲ - Hegemonic Victory

«فراخزر»^۱ را اطلاق نمود که گستره‌ی وسیعی از کشورها و مناطق را تا نزدیکی مرز چین دربر می‌گرفت (Bakshi, 2005: 17). اما در ادبیات سیاسی امروز، گستره‌ی فراخزر تنها محدود به بخش‌های شرقی دریای خزر نیست و همه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز را در برمی‌گیرد. به سخن دیگر، امروزه کشورهایایی چون ارمنستان و گرجستان را نیز می‌توان جزء منطقه‌ی فراخزر بشمار آورد. در این پژوهش نیز، تعریف دوم منطقه‌ی خزر مورد توجه بوده است.

۳-۴) تاریخ سیاست خارجی ایران در حوزه‌ی خزر و فراخزر

سیاست خارجی ایران در منطقه‌ی خزر و فراخزر را می‌توان در سه دوره دسته بندی کرد. شایان توجه است که پیش از این سه دوره نیز، سلسله‌های حکومتی در ایران نگاه مشخصی به این دو حوزه داشته‌اند، اما از آنجا که سیاست خارجی ایران معاصر در این مقاله مدنظر است، به بررسی سیاست خارجی ایران از دوره‌ی پهلوی اول به این سو پرداخته می‌شود (Rabiee, et al, 2014: 51). دوره‌ی اول از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ خورشیدی؛ این دوره که از اوایل حکومت رضاشاه پهلوی آغاز می‌گردد و به پایان سلطنت محمدرضا پهلوی منتهی می‌شود، دوره‌ای است که کم و بیش سیاست خارجی ایران درباره‌ی حوزه‌ی خزر و فراخزر شکل می‌یابد. در دوره‌ی پهلوی اول، به دلیل مشکلات و اغتشاشات داخلی، فرصت چندانی برای نگاه به این دو منطقه صورت نگرفت، اما به دلیل اهمیتی که دریای خزر برای شوروی داشت، هر از چندگاهی در دیپلماسی خارجی ایران به این نقطه توجه می‌شد (Koulaei, 2005: 117). در این دوره افزون بر ایران و روسیه، دو کشور ترکیه و انگلیس نیز به این منطقه چشم دوخته بودند. اما در میان همه‌ی این چهار کشور، روسیه توانست بر منطقه‌ی خزر و فراخزر تسلط کامل یابد و حوزه‌های غنی انرژی این منطقه (از جمله باکو) را از آن خود سازد. ایران در این دوره بیشتر بر روی منابع نفتی جنوب و مواجهه با انگلیس مشغول بود و در نتیجه منطقه‌ی خزر چندان اهمیتی نیافت. با روی کار آمدن محمدرضا پهلوی و آغاز پهلوی دوم، سیاست خارجی ایران به سمت غرب گرایش بیشتری یافت و ایران به یکی از متحدان آمریکا تبدیل شد (Sharaf Alzia, 2008: 65). ایران در این دوره که اوج کشمکش‌های جنگ سرد بشمار می‌رود، همانند دوره‌ی پهلوی اول توجه چندانی به منطقه‌ی خزر نشان نداد. مهم‌ترین عامل در سیاست خارجی منفعلانه‌ی ایران در قبال منطقه‌ی خزر، عدم تمایل ایران به درگیری با قدرت بزرگ همسایه، یعنی اتحادیه‌ی جماهیر شوروی بود. ایران با آنکه از حمایت غرب و به‌ویژه آمریکا برخوردار بود، اما برای منطقه‌ی خزر، سیاست مدارا را در دستور کار قرار داد.

دوره‌ی دوم از ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۴؛ با رخداد انقلاب اسلامی ایران، تحول ژئوپلیتیک ویژه‌ای در منطقه رخ داد. ایران در ابتدا با سیاست تقابلی به سراغ دو قدرت بزرگ آن زمان، یعنی شوروی و آمریکا رفت. اما رفته رفته، شماری از اقتضانات و ضرورت‌های داخلی و خارجی، برقراری روابط دوستانه با شوروی بویژه پس از فروپاشی آنرا توجیه کرد (Taghavi Asl, 2005: 34). سیاست ایران در آن برهه چنین بود که برای جلوگیری از نفوذ آمریکا در منطقه می‌بایست اقتدار روسیه پذیرفته شود. از همین‌رو تهران بر آن شد تا روابط خود با همسایگان شمالی، البته در کنار گسترش روابط خوب با روسیه سازماندهی کند. این در حالی است که ترکیه با درک شرایط دوران گذر با آنکه ارمنستان و کردستان آشوب زده را بسان دیواری گسترده پیش روی خود برای دستیابی به دو سوی حوزه‌ی خزر

^۱ - Trans-Caspian Oblast

داشت، توانست با بهره‌گیری از پشتیبانی همه‌جانبه‌ی آمریکا نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود را در مرزهای شمالی ایران (مرزهای جنوبی روسیه) گسترش دهد (Taheri Shemirani, 2008: 458). سوداگری آنکارا در بازسازی امپراتوری نوین عثمانی و با نام ترکستان بزرگ، زمانی با بن‌بست رو به رو شد که روسیه با رویکرد ارواسیایی تلاش کرد تا اقتدار گذشته را در خارج نزدیک^۱ و به ویژه در دروازه‌ی استراتژیک قفقاز بازسازی کند. در این دوره، رژیم حقوقی دریای خزر مطرح گردید و به یکی از چالش برانگیزترین موضوعات ژئوپلیتیک در منطقه تبدیل شد. در مورد ساختار حقوقی جدید دریای خزر، ایران تا سال‌های پایانی دهه‌ی ۹۰ میلادی، اساساً بر اعتبار معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به عنوان اولویت برتر پافشاری می‌کرد و معتقد بود تا هنگام اجماع کشورهای ساحلی در خصوص رژیم حقوقی جدید، همه می‌بایست به نظام فعلی پایبند باشند (Sklyarov, 2015: 13). بنابراین در این دوره، سیاست خارجی ایران در قبال منطقه‌ی خزر، سیاست همکاری با تأکید بر حقوق دریایی خود بود و به دلیل اتخاذ سیاست مواجهه با غرب، نمی‌توانست به فکر برتری طلبی در منطقه و رویارویی با روسیه برآید.

دوره‌ی سوم از ۱۳۸۴ تا اکنون؛ دوره‌ی سوم سیاست خارجی ایران در منطقه‌ی خزر، دوره‌ی پیچیده و همراه با نوعی عقب‌نشینی استراتژیک است. این عقب‌نشینی به دلیل سیاست خارجی پرتنش ایران در این دوره توجیه شد و رفته رفته، دیگر سخنی از ادعای ۲۰ درصدی ایران در رژیم حقوقی دریای خزر به میان نیامد؛ ادعایی که در زمان ریاست جمهوری سید محمد خاتمی طی نطقی در تابستان ۲۰۰۰ با طرح موضوع تقسیم دریا به طور برابر برای پنج کشور ساحلی خزر پیشنهاد شد. بر پایه این خواسته، اگر اجماع بر تقسیم دریا باشد می‌بایست زیر بستر و روی بستر دریا به صورت مساوی از قرار ۲۰ درصد تقسیم شود (Amirahmadian and Goudarzi, 2010: 14). در دوره‌ی سوم با وجود کشف منابع نفتی در دریای خزر، سیاست خارجی ایران به ناچار به سمت مدارا و همکاری با روسیه پیش رفت و همه تلاش‌ها در راستای متحد ساختن هر چه بیشتر روسیه با ایران انجام شد و در نتیجه به منطقه‌ی فراخزر نیز توجهی نشان نداد. این در حالی است که همسایگان ایران در منطقه‌ی خزر و بویژه جمهوری آذربایجان با برقراری روابط مستحکم با غرب به بهره‌برداری از منابع غنی نفت در این حوزه مبادرت ورزیدند (Mirheydar, 2002: 14). با توجه به سه دوره‌ی سیاست خارجی ایران در قبال منطقه‌ی خزر، به نظر می‌رسد که استراتژی ایران بنا به برخی مقتضیات و با در نظر داشتن واقعیت‌ها و ظرفیت‌های موجود باید به سمت بهره‌برداری و کسب هژمونی در منطقه‌ی خزر و حتی فراتر از آن باشد. توانمندی‌های ژئوپلیتیکی ایران تا اندازه‌ای است که با تکیه بر آن می‌تواند خود را به یک قدرت تأثیر گذار در آینده‌ی منطقه‌ی خزر و فراخزر تبدیل کند (Mowlaei, 2003: 24). در ادامه به بررسی و بازشناسی توانمندی‌های ژئوپلیتیکی این منطقه برای سیاست خارجی ایران پرداخته شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱) جایگاه ایران در حوزه‌ی خزر و فراخزر

کشور ایران از نظر جغرافیایی در جنوب غرب آسیا قرار گرفته است که با آسیای مرکزی، قفقاز، بخشی از منطقه به اصطلاح خاورمیانه، خلیج فارس و جنوب آسیا هم‌جوار است. قرار گرفتن ایران در این منطقه‌ی حساس ژئوپلیتیک و

^۱ - Near Abroad

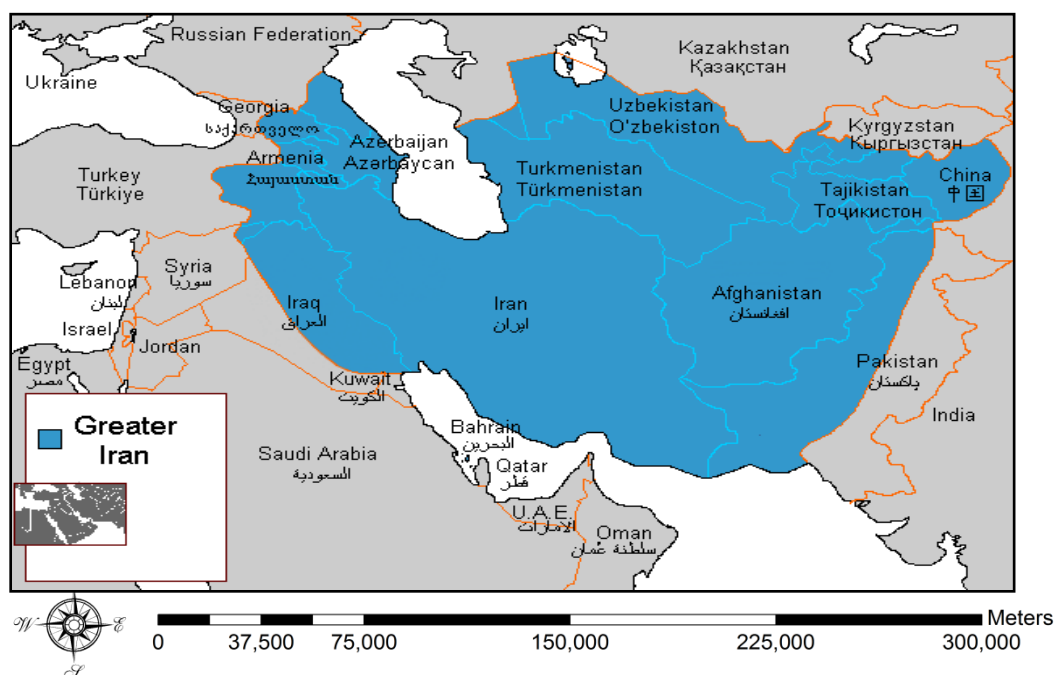
ژئواستراتژیک جهان که در مسیر راه ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرق آسیا (و محل زندگی بیش از یک سوم جمعیت جهان و پل ارتباطی میان سه قاره‌ی اروپا، آسیا و آفریقا) می‌باشد، امکان دسترسی کشورهای تازه استقلال یافته‌ی حوزه‌ی خزر به آب‌های آزاد را نیز فراهم ساخته است (Kaplan, 2014: 36). دریای خزر در حال حاضر، سومین مخزن بزرگ نفت و گاز جهان را در خود نهفته دارد و کشورهای حوزه‌ی قفقاز برای استخراج این منابع، بازی بزرگی را آغاز کرده‌اند. قرارگرفتن ایران در مرکز بیضی استراتژیک هیدروکربوری جهان در خاورمیانه و آسیای مرکزی که منبع اصلی تغذیه‌ی انرژی جهان به شمار می‌رود، موقعیت آنرا از لحاظ دسترسی و تسلط بر منابع نفت و گاز و راه‌های انتقال آن، منحصر به فرد می‌کند (U.S Energy Information Administration, 2013: 19-20). کشور ایران با دارا بودن بیش از ۱۳۰ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال و ۲۷ تریلیون متر مکعب گاز و با محاسبه‌ی ارزش ذخایر هیدروکربوری (در حدود ۳ هزار میلیارد دلار) یکی از کشورهای کم‌نظیر از لحاظ انرژی است. توجه به این نکته نیز ضروری است که در نزدیک ۸۰ درصد از حوزه‌های انرژی ایران، هنوز عملیات اکتشافی صورت نگرفته است (Rahimpour, 2002: 64). ایران تنها کشوری است که به هر دو حوزه‌ی نفت و گاز خلیج فارس و دریای خزر دسترسی مستقیم دارد. این مجاورت، حتی اگر در حال حاضر فواید عملی چندانی نداشته باشد، همچنان تعیین کننده و تأثیرگذار است. وجود منابع عمده‌ی انرژی و نفت در خاورمیانه و حوزه‌ی خزر موقعیت ایران را به حدی ارتقا بخشیده است که قدرت‌های جهانی در هر سطحی که باشند، منافع خود را در این منطقه تعریف می‌کنند (Mazki, 2004: 3).

۲-۴) توانش‌های ژئوپلیتیکی حوزه‌ی خزر و فراخزر

۱-۲-۴) توانش‌های فرهنگی و ژئوکالچر

اشتراکات فرهنگی بویژه در نواحی مرزی اهمیت مضاعفی در ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه‌ی مناسبات مرزی دارد. بررسی و شناخت علمی و دقیق شرایط مکانی - فضایی نواحی مرزی با توجه به پارامترهای مختلف فیزیکی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند راه گشای حل بسیاری از موانع گردد و سرعت توسعه را در روندی مطلوب و پایدار قرار دهد. به یاری فرهنگ، انسان‌ها به هم وابسته و نزدیک می‌شوند و با مشترکات ذهنی که زائیده‌ی همین فرهنگ است، ملت به وجود می‌آید که پیوندگاه اشتراکی آنها است (Eslami Nadoushan, 2012: 131). از نظر جغرافیای فرهنگی، ایران بزرگ شامل تمام بخش‌های فلات ایران بخش‌های آسیای مرکزی، بلخ و رشته کوه‌های هندوکش در امتداد شمال شرقی، افغانستان و غرب پاکستان در بخش جنوب شرقی و از سوی غرب، عراق و قفقاز در بخش شمال غربی است (نقشه‌ی ۱). از کشورهای منطقه‌ی خزر و فراخزر، سه کشور ارمنستان، آذربایجان و تاجیکستان دارای همسانی و قرابت تاریخی - فرهنگی عمیق‌تری با ایران هستند. کشور ارمنستان از دیرباز تأثیر عمیقی از فرهنگ ایرانی پذیرفته است. بگونه‌ای که بسیاری از وام‌واژه‌های فارسی و یا واژه‌هایی با ریشه‌ی فارسی را می‌توان یافت که در زبان ارمنی وجود دارند. از این گذشته، کلیت فرهنگی ارمنستان از فرهنگ کهن ایرانی بویژه آئین زردتشتی تأثیر بسزایی یافته است و هم اکنون نیز شمار زیادی از این هنجارهای فرهنگی در فرهنگ این کشور زنده هستند (Russell, 1986: 439). ارمنی‌ها از دوران هخامنشی بخشی از امپراتوری‌های متعدد ایران بودند و از

فرهنگ ایرانی به شدت تأثیر پذیرفتند. در واقع فرهنگ ارمنستان، ترکیبی از فرهنگ بومی، فرهنگ ایرانی و فرهنگ هلنی / مسیحی است (Mohammadi Malayeri, 2015: 84). جمهوری آذربایجان نیز یکی از نقاط استراتژیک در منطقه‌ی خزر است که ریشه‌ای عمیق در فرهنگ ایرانی دارد. جمهوری آذربایجان، ادامه‌ی جغرافیایی استان‌های آذربایجان ایران است و همگونی و پیوند عمیقی تاریخی میان ایران و کشور آذربایجان به چشم می‌خورد (Mojtahed-Zadeh, 2016: 403). پس از عهدنامه‌ی گلستان در سال ۱۸۱۳ میلادی، ایران تمامی خانات جنوب قفقاز، شامل خانات باکو، خانات شیروان، خانات قره باغ، خانات گنجه، خانات شکی، خانات قبا و بخشی از خانات تالش را از دست داد. این خانات، امروزه منطقه‌ای را تشکیل می‌دهند که جمهوری آذربایجان خوانده می‌شود (Minorsky, 2009: 53). از لحاظ ژئوپلیتیکی، آذربایجان به عنوان یکی از عناصر اصلی (پنج عنصر) نظام ژئوپلیتیکی خزر شناخته می‌شود که در منطقه‌ی حائل بین دو قلمرو آسیایی و اروپایی قرار گرفته است و به همین دلیل در حوزه‌ی کشش و رقابت آنها قرار دارد و تجلی ترکیب دوگانه‌ی فرهنگی در آذربایجان و حضور رقابت آمیز قدرت‌های دو گانه فرامنطقه‌ای و جهانی وابسته به دو قلمرو مزبور در آن مشاهده می‌شود (Hafeznia, 2011: 38). اشتراکات تاریخی کشور آذربایجان با سرزمین مادری خود، ایران موجب شده است که مشارکتهای مدنی میان این دو کشور از ظرفیت بالایی برخوردار شود. ۱۰۵ سال حاکمیت تزارها و ۷۸ سال حاکمیت کمونیست‌ها هیچ یک نتوانست فرهنگ ارتدوکسی و یا ایدئولوژی کمونیستی را جایگزین تفکر اسلامی در این منطقه نماید (Koulaei, 2010: 95).



نقشه (۱): جغرافیای فرهنگ ایرانی

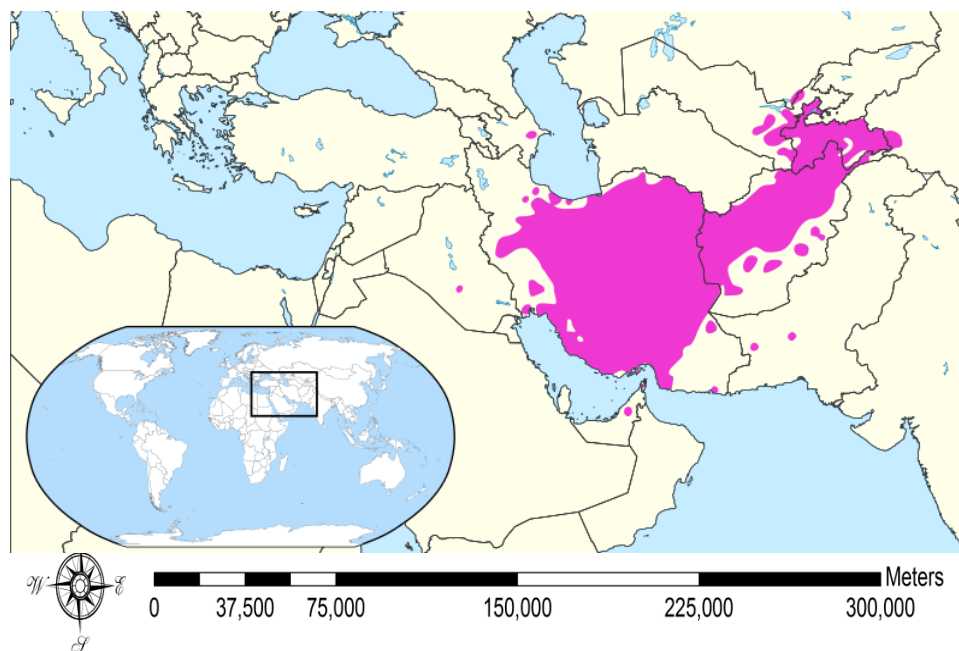
Source: http://commons.wikimedia.org/wiki/File:Greater_Iran.gif?uselang=fa

ادبیات سوزناک «آبرلیق» (جدایی) که شاعرانی همچون الماس ایلدیرم، اسماعیل حکمت، حسین جاوید، صمد ورقون و شهریار پدید آوردند، در سوگ جدایی از ایران اشعار بسیار زیبایی را در خود دارد. با وجود جدایی آذربایجان از ایران، تحولات این دو کشور طی قرن بیستم - بر دیگری نیز تأثیر بسزایی داشته است؛ برای نمونه می-

توان به رویداد نهضت مشروطیت در ایران، انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی در قفقاز، شورش‌های ارمنیان قفقاز، تشکیل نظام خود مختار آذربایجان پس از جنگ جهانی اول، تشکیل جمهوری خود مختار آذربایجان در ایران، وقوع انقلاب اسلامی در ایران، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، وقوع بحران قره باغ و اشاره کرد (Aliyev, 2006: 28). بنابراین، اشتراکات فرهنگی ایران و آذربایجان آنچنان عمیق و فراوان است که می‌تواند به عنوان یک مزیت ژئوپلیتیک بشمار آید و با تاکید بیشتر بر روابط و دیپلماسی فرهنگی، جایگاه خود را در این کشور مستحکم نماید. سیاست خارجی ایران در قبال این کشور حوزه‌ی فراخزر می‌تواند بر روی سرمایه‌گذاری و شناسایی ابعاد ایرانی فرهنگ و زبان ارمنی استوار شود و با تبدیل کردن آن به یک مزیت ژئوپلیتیکی، در راستای اهداف خود از آن بهره‌برد.

۴-۲-۲ توانش‌های ژئوپلیتیک زبان

زبان پدیده‌ای است مکانی-فضایی که سبب ادراک متقابل و همبستگی درونی می‌شود و این امر به خودی خود، ملتی را پدید می‌آورد که به تدریج به خودآگاهی سیاسی می‌رسند و قلمرو جغرافیایی دولت و حکومت خود را شکل می‌دهند (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۰۴). در خارج از ایران زبان فارسی در یکی از کشورهای منطقه‌ی خزر به عنوان زبان رسمی پذیرفته شده و از دیرباز تاکنون بدان تکلم می‌شود. کشور تاجیکستان که در شمال افغانستان و غرب چین قرار دارد، از نظر تاریخی بخشی از «خراسان بزرگ» به‌شمار می‌رفته است (Losensky, 2009: 13). با وجود قرار گرفتن چند کشور در میان ایران و تاجیکستان، اما زبان فارسی هنوز هم در این کشور به رسمیت خود ادامه می‌دهد. همچنین بخش بزرگی از جمعیت ازبکستان نیز به زبان «تاجیکی» که شاخه‌ای از زبان فارسی است، سخن می‌گویند. با آنکه در طی چند دهه‌ی گذشته به دلیل تأثیر روسیه و نیز غفلت ایران، خط رسمی این کشور به سیریلیک تغییر کرده است، اما زبان فارسی و حتی شاخه‌هایی بسیار کهن و نژاده از زبان‌های ایرانی در این کشور تکلم می‌شود. به دلیل عدم توجه به این زبان بویژه در ازبکستان که نیمی از جمعیت آن به تاجیکی سخن می‌گویند، این شاخه از زبان فارسی مقهور زبان ازبکی شده است (شکوری، ۱۳۸۷: ۷). زبان اوستی که مناطق دره‌ی بدخشان واقع در جنوب تاجیکستان بدان تکلم می‌شود، شاخه‌ای اصیل از زبانهای ایرانی است که نشان از نفوذ عمیق زبانی و فرهنگی ایران در این حوزه دارد. اما بی‌توجهی به این شاخه از زبان فارسی تا جایی رسیده است که در یک جمله گاه تا ۶۰ درصد و بیش‌تر واژگان روسی استفاده می‌شود. علاوه بر این، دو شهر مهم و استراتژیک «بخارا» و «سمرقند» که شاعران و اندیشمندان ایرانی بزرگی را در خاک خود پرورده است، اکنون بخشی از کشور ازبکستان بشمار می‌آید (Clawson, 2005: 31). بنابراین، ایران به لحاظ ژئوپلیتیک داری پیوستگی زبانی با کشور تاجیکستان و تا حدی با ازبکستان است و می‌تواند با سرمایه‌گذاری بر این حوزه و توجه بیشتر بدان، از طریق زبان فارسی نفوذ خود را در این منطقه بگستراند. از جمله‌ی این اقدامات می‌توان به راه‌اندازی جنبش بازگشت به الفبای فارسی، تأسیس مراکز ایران‌شناسی در تاجیکستان و ازبکستان و نیز پژوهش‌های رسمی برای بررسی زبان‌ها و گویش‌های فارسی و ایرانی در این منطقه اشاره کرد.



نقشه ۲: پراکنش زبان فارسی در جهان

Source: http://commons.wikimedia.org/wiki/File:Persian_Language_Location_Map.svg

از این گذشته، در چهار کشور آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان و قرقیزستان شمار زیادی از مردم به زبان ترکی تکلم می‌کنند. با آنکه سخنوران ترکی در آذربایجان از لحاظ تقسیم بندی زبانی و نژادی با هم‌تایان خود در قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان تفاوت‌هایی دارند، اما به دلیل پیوستگی زبانی این چهار کشور و با توجه به وزن ژئوپلیتیکی زبان آذری در ایران، می‌توان با گسترش و پژوهش رسمی درباره‌ی زبان ترکی، آنهم با رنگ و بوی فرهنگ ایرانی و با هژمونی نسبی فرهنگ آذری در ایران، از این وزن ژئوپلیتیکی در راستای گسترش نفوذ و قدرت بر این کشورها استفاده کرد. از چهار کشور یاد شده، کشور قرقیزستان در حوزه‌ی کشورهای فراخزر قرار می‌گیرد.

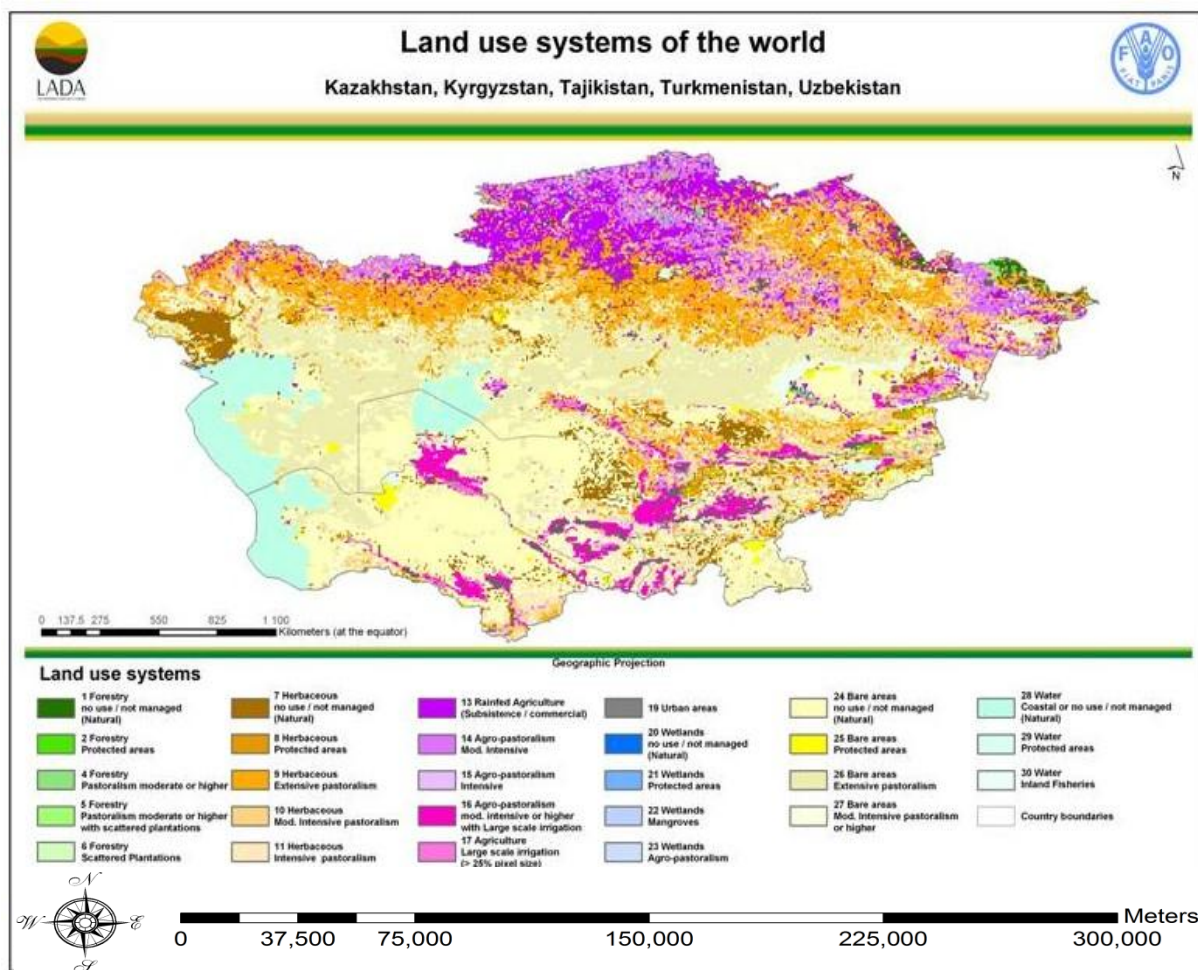
۳-۲-۴ توانش‌های ایدئولوژیک

بیشتر کشورهای منطقه‌ی خزر و فراخزر یا مسلمان هستند و یا بیشینه‌ی مردمان آنرا مسلمانان تشکیل می‌دهند. ایران به عنوان تنها نظام مبتنی بر دین رسمی در منطقه‌ی خزر و فراخزر، از این لحاظ داری مزیت و وزن ژئوپلیتیکی ویژه‌ای است. روسیه به عنوان نخستین قدرت کنونی در این منطقه، به دلیل بدرفتاری با مسلمانان چچن چهره منفی دارد و در میان کشورهای مسلمان پیرامون خود از این لحاظ از مقبولیت چندانی برخوردار نیست (Lecha & Bazhayev, 2009: 41). در طول تاریخ، روس‌ها برای جلب مردم تاتار به تغییر کیش و پذیرفتن آیین مسیح تلاش بسیار کردند، مساجد را ویران و اموال مردم مسلمان را ضبط نمودند و گروه زیادی را بی‌خانمان کردند (Mousavi & Bojnourdi, 2016: 43). از میان کشورهای منطقه‌ی خزر و فراخزر، ایران، جمهوری آذربایجان (با اکثریت جمعیت شیعه)، ترکمنستان، قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان، بخش‌هایی از روسیه و حتی چین دارای جمعیتی مسلمان هستند (3: Shaffer, 2013). سیاست خارجی ایران در قبال بدرفتاری روسیه با مسلمانان بنا به دلایلی چندان انتقادی نبوده است و حتی در دوره‌ای که روسیه دست به نسل‌کشی مسلمانان چچن می‌زد، ایران عملاً رویه‌ی سکوت را در

پیش گرفته بود. اما شرایط جدید جهانی و اهمیت منطقه‌ی خزر و فراخزر و نیز وزن ژئوپلیتیک اسلام در این مناطق، ایجاب می‌کند که ایران سیاست حمایت و نفوذ در میان مسلمانان منطقه را در پیش بگیرد (4: 2013, Asisian).

۴-۲-۴ توانش‌های ژئواکونومیک

اهمیت ژئواکونومیک خزر بیش از هر چیز به ذخایر انرژی آن باز می‌گردد. بطور کلی، حوزه‌ی جغرافیایی اوراسیا با برخورداری از ۳۸ درصد گاز، ۶ درصد نفت ۲۸ درصد ذغال سنگ جهان، پس از خلیج فارس دومین کانون مهم بین‌المللی انرژی را تشکیل می‌دهد (2: 2010, Vaezi). به لحاظ تاریخی، روسیه برای اولین بار منابع نفت خزر را مورد بهره‌برداری قرار داد. عموماً تلاش روسیه بر استخراج ذخایر غرب و جنوب غرب یعنی حوزه‌ی نفتی که امروزه در سواحل آذربایجان قرار دارد، متمرکز بود. «استخراج نفت از اواسط سده‌ی نوزدهم شروع شد و تا سال ۱۹۰۰ حوزه باکو تقریباً نصف نفت خام مصرفی دنیا را تأمین می‌کرد. اما این سطح از تولید بعدها در طول سده بیستم کاستی گرفت. نگرانی از آسیب‌پذیری باکو از حملات نظامی طی جنگ جهانی دوم و به موازات آن کشف نفت در منطقه ولگا- اورال روسیه و سپس در سبیری غربی تغییری در اولویت سرمایه‌گذاری‌های اتحاد جماهیر شوروی پدید آورد. این سیاست جدید منجر به کاهش فعالیت‌های اکتشافی و تولید در این ناحیه گشت» (16: 2015, Behjat). فروپاشی شوروی زمینه را برای حداکثر تولید انرژی در خزر پدید آورد. کشورهای جدیدی که در سواحل خزر پدیدار شدند، نیاز فراوانی به منابع درآمدی لازم جهت اداره امور کشور و اجرای برنامه‌های توسعه داشتند (7: 2010, Kamran, et al). ساختار اقتصادی آشفته - که ارثیه‌ی ساختار برجای مانده از شوروی سابق بود- کشورهای خزر را متوجه منابع انرژی خود کرد (161: 2004, O'Lear). از آنجا که این کشورها از قابلیت‌های تکنولوژیک، مالی و مدیریتی لازم برای اکتشاف، استخراج و انتقال این منابع برخوردار نبودند. در نتیجه آنها برای دستیابی به اهداف مورد نظر توجه خود را به سوی شرکت‌های نفتی معطوف ساختند. در مورد ذخایر نفتی دریای خزر آمار متعددی ارائه شده است. با این حال بر اساس برآوردهای قابل اتکاء «ذخایر اثبات شده نفت خزر بین ۱۶ تا ۳۲/۵ میلیارد بشکه (۲ تا ۴ میلیون تن) و ذخایر گاز طبیعی آن ۲۳۶ تا ۳۳۷ تریلیون فوت مکعب (۵/۴ تا ۷ تریلیون متر مکعب) برآورد شده است. البته این احتمال وجود دارد که در حدود ۱۶۳ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی دیگر نیز در منطقه وجود داشته باشد» (25: 2010, Vaezi). بنابراین و با توجه به ژئوپلیتیک انرژی منطقه‌ی خزر و فراخزر، ایران می‌تواند بر منابع غنی نفت و گاز (بویژه در آذربایجان)، آب (بویژه در تاجیکستان)، مواد معدنی (در ترکمنستان و قزاقستان) و ذغال سنگ (قرقیزستان) تمرکز کند و دست کم زمینه انتقال آنها را از سرزمین خود فراهم آورد. این مهم بویژه با وجود سواحل طولانی و بنادر فراوان ایران در ساحل شمالی دریای خزر، قابل دستیابی است.



نقشه ۳) ظرفیت‌های منابع طبیعی کشورهای قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و ترکمنستان (FAO, 2017)

۳-۴ وزن ژئوپلیتیک

مزیت دیگری که ایران در قیاس با روسیه برخوردار است، عضویت همزمان در دو ائتلاف فراملی و تاثیرگذار جهان، یعنی سازمان شانگهای و نیز کنفرانس کشورهای اسلامی است (Mahan, 2009: 3). هرچند که ایران در شانگهای به عنوان کشور ناظر حضور دارد، اما عضویت در سازمان همکاری‌های اسلامی که بزرگترین سازمان فراملی پس از سازمان ملل بشمار می‌رود، وزن ژئوپلیتیک ویژه‌ای برای ایران فراهم آورده است که از رهگذار آن می‌تواند بر کشورهای مسلمان منطقه‌ی خزر و فراخزر تاثیر بگذارد (Geifman and Course, 2013: 2). روی هم رفته، ایران می‌تواند با تکیه بر موارد زیر بر وزن ژئوپلیتیک خود در منطقه‌ی خزر و فراخزر بیافزاید و از رهگذر نفوذ خود را در منطقه بگستراند؛

۱- حضور نیرومندتر در سازمان شانگهای

۲- استفاده از مزیت‌های سازمان کنفرانس اسلامی برای نفوذ در کشورهای مسلمان حوزه‌ی خزر و فراخزر

۳- برپایی سازمان کشورهای فارسی زبان

۴- همکاری با کشورهای غربی در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری مشترک در کشورهای منطقه‌ی خزر و فراخزر

۵- اتخاذ دیپلماسی فعالتر در قبال وضعیت مسلمانان آذربایجان، روسیه و چین

۶- خواست سیاسی برای گستراندن دامنه‌ی حضور و نفوذ خود در حوزه‌ی خزر و فراخزر

نتیجه‌گیری و دستاوردهای علمی-پژوهشی

منطقه‌ی خزر و فراخزر، در طول دو دهه‌ی گذشته با توجه به واقعیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه (رژیم حقوقی خزر، موقعیت ژئوپلیتیکی خزر در کانون حوزه‌ی ژئوپلیتیکی قفقاز، آسیای مرکزی و خاورمیانه، تعلقات قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در خزر، نوع الگوی رفتاری دولت‌های ساحلی خزر در مناسبات سیاسی و اقتصادی با یکدیگر و دولت‌های فرامنطقه‌ای و به تبع همه‌ی اینها، نظام ژئوپلیتیک حاکم بر منطقه) در نقش هارتلند جدید اورآسیا نقش آفرینی کرده است. موقعیت جغرافیایی و برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز از جمله ویژگی‌هایی است که اهمیت استراتژیک منطقه‌ی خزر و فراخزر را پدیدآورده و مجموعه عوامل محیطی و جغرافیایی و نیز عوامل اقتصادی و سیاسی، این منطقه را به یکی از مناطق مورد توجه قدرت‌های جهان و کانون توجه بین‌المللی و محل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهان تبدیل کرده است. از سوی دیگر وجود منابع سرشار انرژی در منطقه سبب شکل‌گیری رقابت‌ها و بازی‌های سیاسی گردیده و آینده‌ی سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی منطقه را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است. با توجه به اهمیت فزاینده‌ی این مناطق، سیاست خارجی ایران باید در راستای یافتن حوزه‌ی نفوذ در کشورهای این منطقه گام بردارد. در حال حاضر، روسیه به عنوان قدرت اصلی در این دو منطقه شناخته می‌شود، اما کشف منابع جدید انرژی در حوزه‌ی خزر و اهمیت یافتن موقعیت ژئوپلیتیکی این حوزه که در مسیر اروپا، آسیا و خاورمیانه قرار دارد، توجه جهان غرب و در رأس آنها آمریکا را نیز به این حوزه جلب کرده است. از میان همه‌ی این کشورها، ایران دارای وزنه و توانمندی ژئوپلیتیک ویژه‌ای است که با پیش رو داشتن قدرت‌های بزرگی چون روسیه، می‌تواند هر چند در دراز مدت جای پای استواری در حوزه‌ی خزر و فراخزر بیابد. از این رهگذر، می‌توان گفت که ایران دارای توانش‌های ژئوپلیتیکی فراوانی برای هژمونی در حوزه‌ی خزر و فراخزر است. بنابراین و در راستای نفوذ بیشتر و سیاست خارجی مسلط ایران در این دو منطقه، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود؛

۱- ایران با دو کشور تاجیکستان و ازبکستان از لحاظ زبانی دارای پیوستگی و هم‌ریشگی است و نیز زبان ترکی در ایران دارای وزن ژئوپلیتیکی خاصی است که ایران با تکیه بر آن می‌تواند بر کشورهای ترک زبان منطقه تاثیر بگذارد

۲- بیشتر کشورهای منطقه، دارای تجانس و اشتراک فرهنگی زیادی با ایران هستند. از آنجایی که تفاهم فرهنگی، نقش بسزایی در هویت انسانی یک ملت دارد و موجودیت سیاسی آنرا توجیه می‌کند، بنابراین گسترش فرهنگ ایرانی در کشورهای حوزه‌ی خزر و فراخزر نشان از آن دارد که ایران می‌تواند از این عامل در جهت نفوذ و اثرگذاری در کشورهای این حوزه استفاده کند

۳- اکثریت قاطع کشورهای حوزه‌ی خزر و فراخزر را کشورهای مسلمان تشکیل داده‌اند و آنگهی حضور مسلمانان در کشور روسیه نیز چشمگیر است. سیاست خارجی ایران در دوره‌ی سوم و چهارم در قبال کشورهای حوزه‌ی خزر و فراخزر باید به سمت کنشگری و همکاری با کشورهای مسلمان و مردمان مسلمان این دو حوزه به پیش برود. مزیتی که روسیه به دلیل بدرفتاری با مسلمانان، از آن بهره‌مند نیست.

۴- کشورهای حوزه‌ی خزر و فراخزر به جز روسیه، از قدرت و امکانات کافی برای بهره‌برداری از منابع عظیم روزمینی و زیرزمینی خود برخوردار نیستند. به همین دلیل، کشورهای غربی و بویژه آمریکا از این فرصت استفاده کرده و سرمایه‌گذاری‌های خود را در این مناطق با رشدی فزاینده آغاز کرده‌اند. روسیه نیز با تهدید و یا تطمیع این کشورها توانسته تا حدی به اهداف خود در زمینه‌ی دستیابی به انرژی این کشورها دست یابد. ایران، اما می‌تواند با همکاری مشترک با کشورهای غربی و بویژه اتحادیه‌ی اروپا در سرمایه‌گذاری در بخش انرژی این کشورها سهمیم باشد. از این میان، کشور تاجیکستان به دلیل داشتن منابع آبی فراوان می‌تواند نقش هیدروپولیتیک مهم و ارزشمندی را برای ایران ایفا نماید.

۵- ائتلاف‌ها و سازمان‌های فراملی نیز به ایران توان ژئوپولیتیک منحصر به فردی داده است که با استفاده از امکانات و ظرفیت‌های آن می‌تواند در جهت بازگشودن حوزه‌ی نفوذ خود در کشورهای حوزه‌ی خزر و فراخزر استفاده نماید. بنابراین، خواست سیاسی در ایران با توجه به توانمندی‌های ژئوپولیتیک فراوان کشور، باید به سمت نفوذ و حضور موثر در منطقه‌ی خزر و فراخزر حرکت کند و با اتکاء بر این توانمندی‌ها، هژمونی خود را در این دو منطقه بگستراند. واقع‌گرایی در سیاست خارجی ایجاب می‌کند که ایران با رویکرد منطقه‌گرایی و با تکیه بر توانمندی‌های یاد شده و استفاده از توان دیپلماسی کارآمد به این مهم دست یابد.

References

- Abedin, M. (2009). Iran at Sea over Azerbaijan [In Persian], Asia Times on line, Sep.28, 2009, URL: http://www.atimes.com/atimes/Middle_East/FI28Ak01.html.
- Aberckerachi, N., Rahil, S. and Beayan. T. (2014). Dictionary of Sociology [In Persian], Translated by Hasan Pouyan, Tehran: Chapakhsh Publisher
- Aliyev, A.A. (2006). Memorials [In Persian], Tehran: Islamic Revolution Documentary Center Publisher
- Amirahmadian, B. and Goudarzi, M. (2010). Caspian Sea, Russia's Interests and Iran's Security [In Persian], Tehran: Ghoumes Publisher
- Asisian, N. (2013). Russia & Iran: Strategic Alliance or Marriage of Convenience, Small Wars Journal, No. 8, V 13, pp. 1-13.
- Bakshi, J. (2005). Russia and Uzbekistan Sign: Treaty of Alliance Relations, Strategic comment, Institute for Defense Studies & Analyses, New Delhi.
- Behjat, J. (2015). Geopolitics of Caspian Sea: Overviews [In Persian], Quarterly of Political-Economic Information, No. 155-156, PP. 1-23.
- Bernard, A.G. (2006). Caspian Oil and Gas: Production and Prospect, CRS Report for Congress
- Blagov, S. (2010). Russia Tries to Scuttle Proposed Trans-Caspian Pipeline, Eurasianet (2010-03-27), URL: <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav032806.shtml>
- Chifu, I. (2013): The East-West Black Sea/Caspian Sea Corridor in the Age of Uncertainty, the German Marshal Found of the United States (GMF), strengthening Trans-Atlantic Corporations, March 2013, URL: http://www.gmfus.org/wpcontent/blogs.dir/1/files_mf/1362595246Chifu_Corridor_Mar13.pdf
- Clawson, P. (2005). Eternal Iran, Coauthored with Michael Rubin, Palgrave.
- DuBois, T. D. (2005). Hegemony, Imperialism and the Construction of Religion in East and Southeast Asia, History & Theory 44 (4): 113-131
- Eslami Nadoushan, M.A. (2012). Culture and Semi-Culture [In Persian], Tehran: Yazdan Publisher
- Geifman, A. and Course, D. (2013). Israel and Azerbaijan: Geopolitical Reasons for Stronger Ties, BESA Center Perspectives Paper No. 208, pp. 1-13.
- Hafeznia, M. (2011). Principles and Concepts of Geopolitics [In Persian], Mashhad: Papoli Publication

- Hashemi, G. (2002). Inter-Regional Factors in Caucasia Security [In Persian], Quarterly of Central Asia and Caucasia Studies, Vol. 13, No. 40, PP.90-109.
- Ilyasov, L. and Ziya, B. (2009). Charity Foundation: the Diversity of the Chechen Culture: From Historical Roots to the Present. UNESCO Educational.
- Kamran, H., Ahmadipour, Z. and Vali Gholizade, A. (2010). Role of Caspian Region in Iran's Geopolitics [In Persian], Quarterly of Geography, Vol. 8, No. 27, PP. 1-21.
- Kaplan, R. (2014). The Caucasus: Laboratory of Geopolitics, January 2,2014, realeclearworld, URL:http://www.realclearworld.com/articles/2014/01/02/the_caucasus_laboratory_of_geopolitics.html
- Koulaei, E. (2005). International Security: Iran, Russia, Opportunities, Threats and Problems [In Persian], Tehran: Institution of Tehran Publisher
- Koulaei, E. (2010). Iran and Geopolitics of South Caucasia, Quarterly of Geopolitics [In Persian], Vol. 6, No. 1, PP. 75-11.
- Kroutikhin, M. (2008). Energy Policy Making in Russia: From Putin to Medvedev, Nbr Analysis, Volume19, No.2, p.25. URL: <http://www.nbr.org/publications/analysis/pdf.pdf>
- Light, J. and Vukovic, P. (2010). Potential Iranian hegemony in oil producing Islamic countries: Implications for oil geopolitics, Potencijalna hegemonija Irana među islamskim zemljama, MP1, URL:http://www.academia.edu/2818818/Potential_Iranian_hegemony_in_oil_producing_Islamic_countries_Implications_for_oil_geopolitics
- Losensky, P. (2009). Farid ad-Din 'Attār's Memorial of God's friends: lives and sayings of Sufis Classics of Western spirituality, Paulist Press
- Mazki, R. (2004). U.S.A Oil Industry in Middle East [In Persian], Iran News Paper
- Mirheydar, D. (2002). Geopolitics of Caspian Region: Changes and Continuing [In Persian], Tehran: Caspian Studies Organization Publisher
- Mohammadi Malayeri, M. (2015). Persian culture in the transfer age from Sassanid's to Islam [In Persian], Tehran: Tous Poblcation
- Mojtahed-Zadeh, P. (2016). Geopolitical Ideas and Iranian Facts [In Persian], Tehran: Ney Publication.
- Mousavi Bojnourdi, K. (2016). Islam: Historical and Cultural Research [In Persian], Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia
- Mowlaei, Y. (2003). Caspian Sea and Iran's Sovereignty [In Persian], Center of International Studies, Vol. 2, No. 3, PP. 20-39.
- Mughal Muhammad, A.Z. (2013). Caspian Sea, in Biomes and ecosystems. Ipswich, Mass.: Salem. pp. 37-39
- Naji, S. and Jawan, J. A (2011). US Hegemonic Leadership and its Geopolitical Codes, International Journal of Business and Social Science, Vol. 2 No. 7; [Special Issue –April 2011], pp. 149-157
- O'Lear, S. (2004). Resources and Conflict in the Caspian Sea, Journal of Geopolitics, vol. 9, No 1. pp. 3-13.
- Pishgahifard, Z. (2004). Geopolitics of Caspian Sea [In Persian], Quarterly of Strategy, Vol. 19, No. 23, PP. 177-182.
- Rabiee, H. and GharehBeygi, M. (2014). Geopolitical-Based Foreign Policy of Iran and Gaining Hegemony in the Transcaucasia Region, International Journal of Scientific Studies, Volume 1, Issue 2, pp. 1-17
- Rabiee, H., GharehBeygi, M. and Pourali Otikandi, S. (2014). Iran's Hegemonic Development in Caspian and Trans-Caspian [In Persian], Quarterly of Spatial Planning and Development, Vol. 2, No. 3, PP. 45-60.
- Rahimpour, A. (2002). Geo-Strategic Developments in 21 Centuries and Iran's Position [In Persian], Quarterly of Political-Economic Information, Vol. 32, No. 41, PP. 60-77.
- Reinhold, T. (2013). Caspian and EU Energy Security: Iran, an Inevitable Partner, URL:http://www.polsoz.fuberlin.de/polwiss/forschung/systeme/ffu/veranstaltungen/termine/downloads/13_salzburg/Sheikh-Attar-Salzburg-2013.pdf
- Russell, J.R. (1986). ARMENIA AND IRAN; Armenian Religion, Encyclopaedia Iranica, Vol. II, Fasc. 4, 1986, pp. 438-444

- Shaffer, B. (2013). Islam, Iran and Prospects for Stability in the Caspian Region, Belfer Center Programs or Projects: Strengthening Democratic Institutions Project.
- Sharaf Alzia, H. (2008). Russia [In Persian], Tehran: Center for Military Education of Sayyad Shirazi
- Sklyarov, L. (2015). Caspian Region States in 21 Century [In Persian], Translated by Mehrdad Mohsenin, Quarterly of Central Asia and Caucasia Studies, Vol. 3, No. 21, PP. 1-21.
- Taghavi Asl, S.A. (2005). New Geopolitics of Iran: From Kazakhstan to Georgia [In Persian], Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publisher
- Taheri Shemirani, S. (2008). Judiciary System of Gas and Oil Exportation in Caspian Sea [In Persian], Quarterly of Foreign Politics, Vol. 13, No. 2, PP. 450-469.
- U.S Energy Information Administration (2013). Oil and natural gas production is growing in Caspian Sea region, September 11, 2013, URL: <http://www.eia.gov/todayinenergy/detail.cfm?id=12911>
- Vaezi, M. (2010). Evolutional Process of Shang-Hi Corporation [In Persian], Tehran: Center for Strategic Studies
- <http://eng.wikimedia.org>
- <http://www.fao.org/fileadmin/templates/nr/images/resources/images/CACILM/LUSCAC1.jpg>
- <http://www.mapcruzin.com>